



کودک نت

ویژه نامه کودکان و فضای مجازی

برای والدین و کودکان

به نام خداوند بخشنده مهربان

هیئت تحریریه

زهره بازیار، نیلوفر حسینی،
مهتاب رسول طائمه، عفت شریف،
مینا عبداللہی، سمیه قربان نژاد

هماهنگی مطالب و سردبیر

پروانه عیدی
تهیه شده برای «کارگاه نشریه نگاری»
زیر نظر و به پیشنهاد، طراحی و ویرایش

استاد الناز معتمدی

دانشگاه علمی کاربردی
واحد فرهنگ و هنر ۱ تهران
سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱

ارتباط با ما:

kudaknet@gmail.com





در این ویژه‌نامه می‌خوانید:

۲	سُخنِ سر‌دبیر	📖
۳	دَرِ گوشِ	📖
۴	قصهٔ قرآنی	📖
۶	والدین عزیز بخوانید و بدانید	📖
۸	آشنایی با یک شاعر	📖
۱۰	ماجرای یک تماس ضروری!	📖
۱۱	کتابِ خوب	📖
۱۵	چند نکتهٔ روانشناسی برای والدین	📖
۱۸	قناد کوچولو	📖
۲۳	ماجرای یک تماس ضروری!	📖
۲۴	حرف‌های خانم معلم	📖
۲۸	قوانین کلاس مجازی	📖
۳۰	بچه‌ها قصه	📖
۳۵	آشنایی با یک غول مجازی	📖
۳۷	بازی و سرگرمی	📖
۴۳	ماجرای یک تماس ضروری!	📖
۴۴	نرم‌افزارهای کاربردی	📖
۴۷	آشنایی با یک نویسنده	📖
۵۰	چیستان	📖
۵۱	دکتر دکتر	📖
۵۷	با هم موبایل بسازیم	📖
۶۲	جدول	📖
۶۴	مسابقه‌ای برای شما	📖



سخن سردبیر

کودکی یعنی داشتن اسباب بازی‌های رنگارنگ، خاله‌بازی، عروسک و ماشین‌بازی؛ اما امروزه به دلیل گسترده‌گی فضای مجازی و ابزار و امکانات جدید و پیشرفت فناوری، گاهی کودکان از بازی‌های سنتی و قدیمی فاصله گرفته و به دنیای دیجیتال و فناوری‌های روز نزدیک‌تر شده‌اند.

کودک با مشغول بودن به این فناوری‌ها، به تدریج به این نوع وقت‌گذرانی عادت کرده و تمام دنیای کودکی‌اش در همان فضا خلاصه می‌شود. در این وابستگی کودکان و نوجوانان به فضای مجازی، والدین نقش اساسی دارند. آن‌ها گاهی برای اینکه به کارهای روزمره خود برسند و یا خستگی در کنند، کودکان‌شان را به دام فضای مجازی انداخته و آنان را با بازی‌هایی که در گوشی‌های خود نصب کرده‌اند سرگرم می‌کنند و ساعت‌ها از آن‌ها غافل می‌شوند. از سویی با توجه به همه‌گیری کرونا و کلاس‌های آموزشی مجازی، کودکان بیش از پیش به تلغن همراه، رایانه، تبلت و... دسترسی دارند که اگر نظارت نشود در آینده تبعات جبران‌ناپذیری برای کودک و خانواده دارد.

از همین رو ما تصمیم بر انتشار مجله‌ای درباره این دو موضوع و پیوند آن با هم گرفتیم تا بتوانیم براساس آن، اطلاعاتی درباره فضای مجازی، اینترنت، قوانین مربوط به کلاس‌های مجازی را با کودکان و والدین به اشتراک بگذاریم و در کنار آن شادی و سرگرمی هم به کودکان عزیزمان تقدیم کنیم.

امیدواریم شادی‌های کودکانه را به دنیای بچه‌های خود بازگردانیم و اجازه ندهیم دنیای زیبای کودکی‌شان قربانی دنیای مجازی شود.

والدین و مربیان گرامی، دقت کنید بالای هر مطلبی علامت  قرار گرفته بود؛ یعنی آن مطلب برای بزرگ‌ترهاست نه کودکان.





دَرِ گوشِ



تقریباً از اسفندماه ۹۸ که ویروس کرونا یا کووید ۱۹ در جهان پیدا شد، مجبور شدیم در خانه‌ها بمانیم. اولین روزهای تعطیلات بد نبود و خیلی هم خوشحال بودیم؛ اما رفته‌رفته اوضاع فرق کرد و مجبور شدیم درس‌ها را در شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و کلاس‌های مجازی ادامه دهیم. درست است خیلی سخت بود، سرعت اینترنت کم بود، از خیلی از راز و رمزهای فضای مجازی بی‌خبر بودیم و ...

ولی بالاخره بعد از مدتی کم‌کم راه افتادیم و به این فضا عادت کردیم. زمانی بزرگ‌ترها دائم به ما می‌گفتند که دست از گوشی بردار، بیا سر درس و مشقت ولی حالا اصرار می‌کنند که گوشی را بردار و در کلاست حاضر شو و کمی درس بخوان ...

بـلـه، با توجه به این شرایط و چالش‌های فضای مجازی، بر آن شدیم تا با انتشار این مجله و مطالب مختلف سرگرمی و آموزشی کمی با هم خوش بگذرانیم و یاد بگیریم.

با ما همراه می‌شوید؟

پس بریم که کلی حرف و تقریح در پیش داریم.



قصه قرآنی



می‌خواهم قرآن بخوانم

سوره ناس بخوانم

به نام یکتا خدا

شروع کنم چه زیبا

پروردگار همه

که مالک مردم

از شر هرچه خناس

چه از جن و چه از ناس

خودم را به او می‌سپارم

فقط خداست پناهم

بچه‌های عزیز، موافق هستید قبل از ورود به هر بحثی کمی از قرآن بیاموزیم؟

موافقت با هم یک قصه برگرفته از قرآن بخوانیم؟

قصه‌های قرآنی بهترین الگو و راهنمای ما برای زندگی هستند.

روزی روزگاری در زمان‌های بسیار دور، جمعیت بسیاری از مردم در سرزمینی زیبا زندگی می‌کردند.

(در زبان عربی به مردم، ناس می‌گویند.)

این مردم خیلی با هم خوب و مهربان بودند و پیامبر خوبی هم داشتند که آن‌ها را به سمت خدای واحد

دعوت کرده بود و کارهای خوبی به آن‌ها یاد داده بود. مثل اینکه نباید پشت سر مردم حرف بدی

بزنند، نباید دروغ بگویند، یتیم‌ها را دوست داشته باشند و ...



روزی از روزها شخصی به اسم «خَنّاس» وارد شهر شد. خَنّاس دید که مردم این شهر چقدر با هم خوب هستند و سعی کرد برود و کارهای بد به آنها یاد بدهد. پس در سینه آنها وسوسه ایجاد کرد. (الذی یوسوس فی صدور ناس)

یک روز خَنّاس وارد کوچه‌ای شد که بچه‌ها در آن بازی می‌کردند. اول پیش سعید رفت. سعید پسر خوبی بود و داشت با توپش بازی می‌کرد. خَنّاس بدجنس آمد و گفت: «چقدر خوب بازی می‌کنی!» ولی من نمی‌دانم قدرت پای تو چقدر قوی است. اگر بتوانی بزنی به آن شیشه و بشکند، می‌فهمم قوی هستی. سعید یک لحظه وسوسه شد. توپ را پرتاپ کرد و شیشه را شکست.

ای وای! صدای خرد شدن شیشه آمد. سعید توپش را برداشت و دوید گوشه‌ای پنهان شد. خَنّاس هم از او گذشت و این بار سراغ مریم رفت.

مریم داشت با دوستش بازی می‌کرد. خَنّاس در گوش مریم گفت: «چرا عروسکت را می‌دهی به دوستت؟ خرابش می‌کند.» مریم وسوسه شد و عروسک را از دست دوستش کشید. دوستش هم زد زیر گریه.

خَنّاس بین همه دوست‌ها اختلاف می‌انداخت. مریم ناراحت بود از اینکه دوستش را به گریه انداخته بود. سعید هم ناراحت بود از اینکه شیشه را شکسته بود تا اینکه پیرمرد مهربانی از کنار آنها رد شد و فهمید کار، کارِ خَنّاس است.

پیرمرد مهربان گفت: «ناراحت نباشید، خدای مهربان شما را می‌بخشد؛ چون او خدایی است که مالک همه مردم است. مالکی که تاج ندارد و باید از شر وسوسه‌های خَنّاس به او پناه برد و دیگر به حرف‌های این شیطان خَنّاس گوش نکرد.»

سعید و مریم با شنیدن حرف‌های پیرمرد خوشحال شدند و گفتند: «خدایا ما را ببخش و از شر شیطان ما را محافظت کن.»



والدین عزیز بخوانید و بدانید



نکاتی درباره انتشار عکس کودک در فضای مجازی



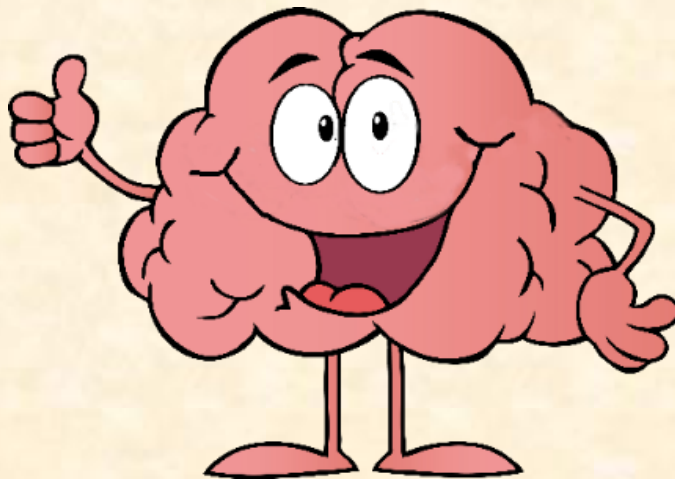
گاهی اوقات والدین برای ثبت تصاویر کودک خود، زمانی که او در حال فعالیت خطرناک است از دنیای واقعی غافل می‌شوند. بارها اتفاق افتاده کودک روی یک میز بلند نشسته و در حال شیطننت است و پدر یا مادر بی‌توجه به خطری که کودک را تهدید می‌کند در فکر عکس گرفتن از کودک هستند. درحقیقت تلاش برای ثبت این نوع تصاویر، کودک را در موقعیت خطر قرار می‌دهد که شاید عواقب غیرقابل جبرانی در انتظار او باشد.



زمانی که کودک احساس حقارت و ضعف می‌کند، عکس‌ها و فیلم‌هایی را که در آن کودک احساس ناتوانی می‌کند، هرگز در فضای مجازی به اشتراک نگذارید. ثبت این خاطرات و انتشار این تصاویر کودک را در آینده نزدیک دچار افسردگی، حقارت و عصبی بودن می‌کند.



به تصاویر از پوشک گرفتن کودک، دستشویی رفتن و حمام کردن توجه داشته باشید. تصاویری که شما به صورت آنلاین انتشار می‌دهید ممکن است برای همیشه در رایانه، موبایل یا تبلت دیگران ذخیره شود و در آینده افراد زیادی می‌توانند از این طریق کودک شما را مورد تمسخر یا سوءاستفاده قرار دهند. درحقیقت افراد می‌توانند از اطلاعات شما برای اهداف متفاوت و غیر از آنچه در نظر گرفته شده استفاده کنند.



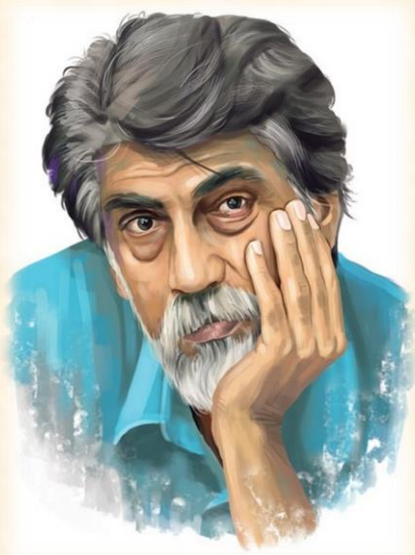
خودداری از انتشار تصاویر گروهی؛ اگر تصمیم گرفتید عکس‌های دسته‌جمعی فرزندان خود در پارک، مدرسه یا مهدکودک را به صورت آنلاین به اشتراک بگذارید، عالی است اما در نظر داشته باشید که همه والدین از این کار احساس رضایت نمی‌کنند و قبل از انتشار این تصاویر از والدین کودکان اجازه بگیرید.

هرگز عکس‌ها و تصاویر کودک خود را با ذکر نام و نام خانوادگی و جزئیات دقیق، آدرس محل زندگی و موقعیتی که کودک در آن زندگی می‌کند منتشر نکنید.

بهتر است تا جایی که می‌توانید و برای شما مقدور است از انتشار تصاویر کودکان خود در فضاهای مجازی خودداری کنید و در صورت انتشار در بخش تنظیمات شبکه‌های اجتماعی، طوری تنظیمات را انجام دهید که مطمئن شوید فقط دوستان و آشنایان به این تصاویر دسترسی دارند.



آشنایی با یک شاعر



قیصر امین پور در دومین روز اردیبهشت ۱۳۳۸ در گتوند دزفول به دنیا آمد. در سال ۱۳۶۳ در رشته زبان و ادبیات فارسی به دانشگاه رفت تا روزی تبدیل به «قیصر» ادبیات فارسی کشور شود. امین پور تمام عمر کوتاهش را صرف ادبیات و شعر به خصوص در حوزه کودک و نوجوان کرد و ۱۵ سال سردبیر ماهنامه «سروش نوجوان» بود. به قول خودش جوانی ۲۲ ساله بود که از پله‌های سروش بالا رفت و پیرمرد ۴۰ ساله‌ای بود که از پله‌های سروش پایین آمد.

قیصر امین پور خالق شعرهای شیرین کتاب فارسی در ادوار مختلف تحصیلی ماست؛ شعرهایی که بارها سرکلاس از روی آن‌ها بلند خوانده‌ایم و از بر کرده‌ایم و از روی‌شان مشق نوشته‌ایم. در ادامه شعری از او را با نام «**کودکی**» با هم می‌خوانیم. روحش شاد، یادش گرامی.

کودکی‌هایم اتاقی ساده بود
قصه‌ای دور اجاقی ساده بود

شب که می‌شد نقش‌ها جان می‌گرفت
روی سقف ما که طاقی ساده بود



می‌شدم پروانه خوابم می‌پرید
خواب‌هایم اتفاقی ساده بود

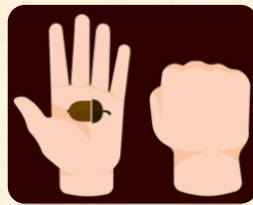
زندگی دستی پر از پوچی نبود
بازی ما جفت و طاقی* ساده بود



قهر می‌کردم به شوق آشتی
عشق‌هایم اشتیاقی ساده بود

* می‌دانی بازی طاق و جفت که در شعر آمده چیست؟

این بازی با استفاده از سکه یا سنگ‌ریزه یا خوراکی انجام می‌شود. یکی از بازیکنان سکه یا سنگ‌ریزه یا خوراکی در مشت خود نگه می‌دارد و دست‌های خود را به پشت سر می‌برد و سپس آن‌ها را مقابل بازیکنان دیگر نگه می‌دارد و می‌پرسد: طاق یا جفت؟ بازیکن مقابل باید حدس بزند که آنچه در مشت بازیکن است فرد است یا زوج. اگر حدس او درست بود برنده است. طاق یعنی فرد، جفت یعنی زوج.



تصویر مقابل طاق است جفت؟

نظرت چیست این بازی را با یکی از دوستان و یا خواهر و برادر و خانواده انجام دهی؟
هرکس بُرد خوراکی‌های داخل مشت برای او!



ماجرای یک تماس ضروری!

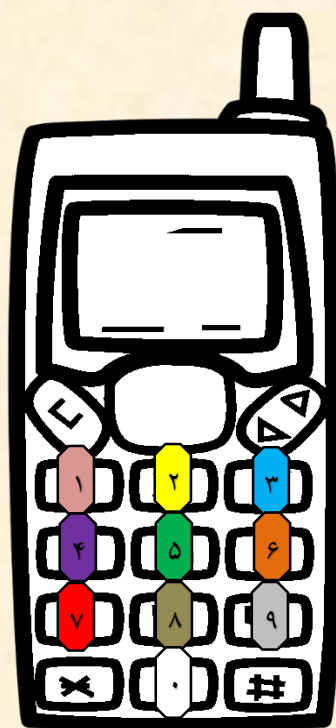
قسمت اول: پلیس

ماجرای از آنجا آغاز شد که دیشب حسین کوچولو و خانواده‌اش دیدند که دزدی به خانه همسایه وارد شده است. پدر حسین که پایش شکسته بود و نمی‌توانست از جایش تکان



بخورد به حسین گفت: «بدو برو تلفن را بیاور باید به پلیس زنگ بزنیم!» اما حسین نمی‌دانست کدام رنگ‌ها را روی گوشی تلفن باید بزند تا با پلیس حرف بزند. تو رنگ‌ها را بلندبلند بگو تا حسین بتواند به پلیس زنگ بزند.

(در این ماجرا از راهنمایی‌های روی عکس‌ها غافل نشو)



این ماجرا ادامه دارد...



کتابِ خوب



بچه‌های عزیزم، حالا که وقت بیشتری برای در خانه ماندن و کتاب خواندن داریم، خوب است که دست به دست کتاب‌ها بدهیم و به دنیای قصه‌ها سفر کنیم. کتاب‌ها بهترین دوستان ما هستند، خیلی بهتر از گوشی و تبلت و رایانه. چون چیزهای خیلی خوبی به ما یاد می‌دهند. البته که می‌توانید از

نرم افزارهای کتاب‌خوان در فضای مجازی هم استفاده کنید. فیدیبو، طاقچه، کتابراه و ... ابزارهای خوبی برای کتاب خواندن هستند؛ حتماً تجربه کنید! ولی ما هم در اینجا چند کتاب درباره فضای مجازی به شما پیشنهاد می‌دهیم.



این روزها دنیای مجازی آن‌قدر گسترش پیدا کرده که حتی به قطب شمال و خانه پنگوئن‌ها هم رسیده است! برای همین باباپنگوئن مدام سرش در رایانه است و اصلاً وقت ندارد با پسرش توپ‌بازی کند. او حتی موقع صبحانه خوردن و لقمه گرفتن هم دارد صفحه مجازی‌اش را می‌خواند. برای همین اصلاً وقت ندارد که با بقیه افراد خانواده گپ بزند.



بابا پنگوئن کلی دوست مجازی دارد. اگر بخواهیم آن‌ها را دقیق بشماریم، ۵۳۲ تا هستند! او در خانه است، اما هیچ وقت با مادر حرف نمی‌زند، چون مشغول جواب دادن به ایمیل‌هایش است.

یعنی ممکن است یک روز دوباره همه افراد خانواده با هم حرف بزنند؟
بچه‌ها کارهای باباپنگوئن برای شما آشنا نیست؟

شما کسی را دوروبرتان ندیده‌اید که مدام به گوشی و رایانه‌اش وصل باشد؟

کتاب «**بابام و اینترنت**» چیزهای خوبی را به یادمان می‌آورد! داستانی فانتزی درباره تأثیر مخرب فضای مجازی در زندگی روزمره ما. با خواندن این کتاب، بار دیگر والدین و کودکان اهمیت گفت‌وگو و حفظ فضای خانوادگی را به خود یادآور می‌شوند.

بابام و اینترنت

انتشارات: مرغابی

نویسنده و تصویرگر: فیلیپ دو کِمِتر

مترجم: شیرین سلطانی

رده سنی: ۶ تا ۱۲ سال

سال انتشار: ۱۳۹۸



«**روشن خاموش!**» از مجموعه هشت جلدی «تصمیم بگیر عمل کن!» است. داستانی است برای اینکه یاد بگیریم مدام سرمان در گوشی نباشد. با تصاویر جذاب و شعرهایش به پدرها و مادرها



و بچه‌ها کمک می‌کند تا راه و رسم بهتر زندگی کردن را در کنار هم تمرین کنند. آموزش مهارت‌های زندگی با زبان ساده به کودکان، دغدغه‌ی خیلی از خانواده‌هاست.

روشن خاموش

انتشارات: فاطمی

نویسنده: الیسندا روکا

تصویرگر: کریستینا لو سانتوس

مترجم: لیلا مینایی

رده سنی: ۶ تا ۱۲ سال

سال انتشار: ۱۳۹۸



تا به حال شده از طریق رایانه یا صفحه‌های مجازی چیزی را به اشتراک بگذارید؛
اما پشیمان شوید؟

چون دوست‌تان با دیدن عکس مهمانی شما کلی ناراحت شده و از اینکه در مهمانی دعوت
نبوده کلی غصه خورده است! تا به حال شده به خودتان بگویید کاش زمان به عقب
برمی‌گشت و هرگز این کار را نمی‌کردید؟

در کتاب «خواست به دمت باشه! در دنیای دیجیتال» خوشبختانه، یک رایانه دانا و باهوش داریم که
به کودکان می‌گوید چه چیزهایی را نباید در صفحه‌های اجتماعی‌شان به اشتراک بگذارند. او
معتقد است که تمام چیزهایی که با دیگران به اشتراک می‌گذاریم، تا آخر عمر مثل یک دُم بزرگ



دنبال ما می‌آیند و دست از سرمان برنمی‌دارند... وای به روزی که در صفحه‌مان، حرف‌های بدی هم زده باشیم. آن روز دُمان سوراخ سوراخ و زخمی می‌شود و آدم‌ها از ما فاصله می‌گیرند!

حواست به دمت باشه!

انتشارات: نردبان

نویسنده: جولیا کوک

تصویرگر: آنیتا روفالا

رده سنی: ۶ تا ۱۲ سال

سال انتشار: ۱۳۹۹

حالا نظرت چیست یک کتاب صوتی هم بشنوی؟

پیشی کوچولو، بگو به خود خودم دست نزن

نویسنده: معصومه یزدانی

تصویرگر: سارا خرامان

چاپ اول: ۱۳۹۸

انتشارات نردبان

رده سنی: ۴ تا ۱۰ سال

سال انتشار: ۱۳۹۸



برای دانلود صوت این کتاب  کلیک کنید. یا کد بالا را با بارکدخوان خود اسکن کنید تا مستقیم به سایت منتقل شوید.



چند نکته روانشناسی برای والدین



آسیب‌های روان‌شناختی فضای مجازی برای کودکان

والدینی که بدون نگرانی تلفن همراه و اینترنت را در اختیار فرزندان عزیزشان قرار می‌دهند؛ آیا از تأثیرات

فضای مجازی بر کودکان اطلاع دارند؟

این موضوع دلیل بر تربیت غلط فرزند شما نیست؛ ابداً!

بلکه بحث ناامن و نامناسب بودن این محیط برای کودکان است.

کودکانی که زمان زیادی را در فضای مجازی سپری می‌کنند ممکن است رفتار



احساس انزوا و افسردگی شوند. هرچه کودک بیشتر در فضای مجازی وقت بگذراند،

از آن سو برای ارتباط رودررو با اعضای خانواده و دوستان زمان کمتری خواهد داشت و

در مواجهه با فعالیت‌های معمول روزمره کسل و بی‌حوصله خواهد شد.

از اولین تأثیرات فضای مجازی بر کودکان، دور شدن آن‌ها از واقعیت است.



کودک و نوجوان به این ترتیب از منبعی واقعیت را می‌آموزد که خودش غیرواقعی و

مجازی است. پس هر چه بنا برای زندگی واقعی‌اش طرح‌ریزی کند، بیهوده است؛ چون

از واقعیت دور است. پس عمر او تلف شده و انرژی و شور دوره طلایی زندگی‌اش را

در جایی خرج کرده که نه تنها هیچ کمکی برای ساخت آینده‌اش نمی‌کند، بلکه فضا را

برای ساختن هویت‌های غیرواقعی فراهم کرده و او را به غیرواقعی بودن عادت داده

است.



نداشتن الگوی مناسب: در دنیای امروز کودکان و نوجوانان به مادر و پدر خود نگاه می‌کنند. وقتی خانواده همگی سرشان در گوشی است چه انتظاری از کودک دارید؟ در کشور ما، میانگین ساعت حضور افراد در فضای مجازی، حدود ۵ الی ۶ ساعت است که رقمی فاجعه‌بار است.



سوءاستفاده جنسی نتیجه تأثیرات فضای مجازی بر کودکان: کودکان و نوجوانان به دلیل پاکی و صداقت‌شان به‌عنوان اولین قربانیان فضای مجازی محسوب می‌شوند. معمولاً کودکان از طریق اتاق‌های چت و گپ زنی، مورد اغفال و سوءاستفاده افراد سودجو قرار می‌گیرند. حتی گاهی از طریق ضبط تصاویر خصوصی و غیراخلاقی از طریق دوربین اینترنتی و آوردن اطلاعات و عکس‌های خصوصی، آنان را وادار به پذیرش رابطه جنسی فیزیکی کرده‌اند؛ ولی او جرئت بازگو کردن این مسائل را برای خانواده ندارد.

والدین باید بر میزان حضور فرزندانشان نظارت داشته باشند. منظور از حضور والدین این است که والدین درباره اینترنت با فرزندشان حرف بزنند، وقتی که آنلاین هستند در کنارشان بنشینند، آن‌ها را برای کشف فرصت‌ها و امکانات اینترنت تشویق کنند و



فعالیت‌هایی را به همراه آن‌ها مشترکاً انجام دهند. چنین فعالیت‌هایی، خطرهای آنلاین را بدون از دست دادن فرصت‌ها کاهش می‌دهد.



والدینی که دارای سطح اجتماعی و تحصیلات بالاتری هستند، خودشان حضور فعال‌تری در فضای مجازی دارند و به دلیل آگاهی از شرایط، با فرزندان خود همراه می‌شوند و کمتر برای آن‌ها محدودیت می‌گذارند؛ اما نظارت بیشتری هم به خرج می‌دهند. فرزندان خود را به یادگیری بیشتر در اینترنت تشویق می‌کنند و مدت طولانی‌تری هم کنار آن‌ها می‌نشینند و درباره سایت‌های خوب و بد نیز برای آن‌ها توضیح می‌دهند. در عوض والدینی با سطح اجتماعی و تحصیلات پایین‌تر که کمتر از اینترنت استفاده می‌کنند محدودیت بیشتر و همراهی کمتری دارند که خود ممکن است سبب ولع بیشتر افراد به استفاده از این فضا شود.



باید با فرزند خود درباره اینکه اگر مشکلی در اینترنت برایش به وجود آمد صحبت کنید. باید این اطمینان را به او بدهید که همواره پشتیبانش هستید و هیچ دلیلی برای ترسیدن وجود ندارد و هر اتفاقی افتاد می‌توانند به شما بگویند تا با هم راه‌حلی برایش پیدا کنید.

قناد کوچولو



بچه‌ها، آترینا جون یک روز که دیگر از فضای مجازی خسته شده بود همراه مادر مهربانش توانست یک کیک عالی خلق کند. برای همین دوست دارد روش درست کردن این کیک را یادتان بدهد تا شما هم چوب جادویی دست بگیرید و یک کیک قشنگ خلق کنید.

یادتان باشد می‌توانید عکس‌های کیک‌های خود را برای ما ارسال کنید و ما را خوشحال کنید.

مواد لازم: پودر کیک (یا آرد و وانیل و بکینگ پودر) - تخم‌مرغ - شیر - روغن





مرحله اول: تخم مرغ ها را در ظرفی می شکنیم.



مرحله دوم: حالا آن قدر آن ها را هم



می زنیم تا کرم رنگ شوند.



مرحله سوم: در این مرحله شیر را اضافه می کنیم و مجدد هم می زنیم.





مرحله چهارم: حالا روغن را به مواد اضافه می کنیم و مجدد هم می زنیم.



مرحله پنجم: حالا پودر کیک را

اضافه می کنیم و مجدد مواد را هم می زنیم

تا یکدست شود.

دقت کنید که اگر پودر کیک در دسترس

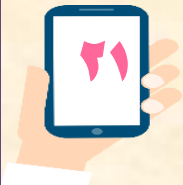
نداشتید می توانید از آرد به همراه

بکینگ پودر و وانیل استفاده کنید.



مرحله ششم: قالب کیک را چرب می کنیم.





مرحله هفتم: مواد آماده شده را داخل قالب می ریزیم.



مرحله هشتم: من چون نمی خواستم به فر یا گاز دست بزنم، از کیک پز برقی استفاده

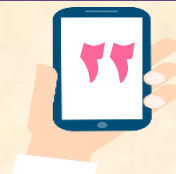


کردم. پس در این مرحله کیک پز را به برق می زنم. ولی شما می توانید در کنار پدر یا مادر

یا یک بزرگتر دیگر، از فر استفاده کنید یا حتی بدون فر با استفاده از گاز نیز کیکتان را

پزید.

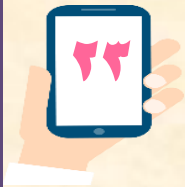




مرحلهٔ نهم: جی جی جی جینگ! کیک ما آماده است.

حالا شما یک کیک عالی و درجه یک دارید
و می‌توانید آن را با میوه یا شکلات کیک‌تان را تزئین کنید.

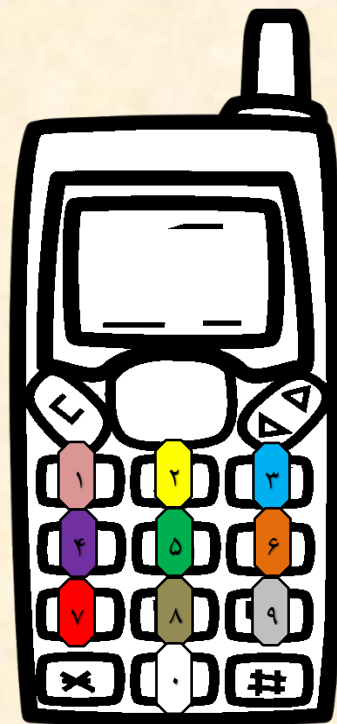




ماجرای یک تماس ضروری!

قسمت دوم: آتشنشانی

برگردیم سر ماجرای حسین، حسین با کمک شما توانست با پلیس تماس بگیرد. قبل از اینکه پلیس برسد از پنجره نگاه می‌کردند که ناگهان دیدند از داخل خانه همسایه شعله‌های آتش دیده می‌شود. حالا حسین باید فوری به آتشنشانی زنگ بزند. اعداد روی آتشنشانی را بلند بلند بگوید تا حسین شماره را بگیرد.



این ماجرا ادامه دارد...

حرف‌های خانم معلم



یکی از اساسی‌ترین کارهای بشر/ف تعلیم و تربیت است.

کسی که این رسالت را به دوش می‌کشد «معلم» است.

معلم در مقطع دبستان، مسئول تمام افرادی است که به دست او

تربیت می‌شوند. درواقع رفتار معلم تأثیر بسزایی بر رفتار و

خلق‌وخوی دانش‌آموزان خواهد داشت.

یک معلم خوب با روش‌هایی همچون مهربانی، احترام به شخصیت

دانش‌آموز، انجام بازی، به‌کارگیری روش‌های غیرمستقیم نظیر کارهای هنری و قصه‌گویی، پرهیز از

سرزنش دانش‌آموز در مقابل دیگران، دروغ نگفتن، اجتناب از سخنان زشت و حفظ آراستگی ظاهری،

دانش‌آموزان را با تعالیم اسلامی و انسانی آشنا کرده و نقشی مهم در تربیت صحیح آنان خواهد داشت.

امروز می‌خواهیم با کسی مصاحبه کنیم که با کودکان بسیاری زندگی کرده و با عشق به تکتک آن‌ها درس

زندگی داده و حالا با ۳۱ سال سابقه کار پر از مهر و تلاش صادقانه، غمگین است که در این دو سال و اندی که

کرونا آمده فقط توانسته ویس‌های بچه‌هایش را بشنود.

او کسی نیست جز **پری سادات عرب باقری**، کارشناس آموزش ابتدایی.

چه می‌کنید با کرونا و فضای مجازی؟ گله‌ای نیست؛ یک ویروس است و سلامتی بچه‌ها و والدین و خود

آموزگاران هم بسیار اهمیت دارد. پس خدا را شکر که فضای مجازی بود که نجات‌بخش شود و عزیزان دل من باسواد

شوند. امیدواریم زودتر با بهبود کامل شرایط روبه‌رو شویم.

از چه طریق وارد آموزش و پرورش شدید؟ آزمون دانشسرای مقدماتی برای دانش‌آموزانی که کلاس دوم

تجربی یا ریاضی بودند و زیر ۱۷ سال برگزار می‌شد، من هم رشته‌ام تجربی بود و بهترین روزهای زندگی‌ام را آنجا

گذراندم. مثل سربازی بود. از نماز صبح بیدارمان می‌کردند، می‌توانم به راحتی بگویم هرچه شدم در شغل معلمی

فقط به خاطر همین دانش‌سرا رفتن بود و همه دانشم را مدیون‌شان هستم.



مدرک‌تان چیست؟ لیسانس آموزش ابتدایی.

آیا تا به حال در فضای مجازی تدریس کردید؟ بله تقریباً از ۷ سال پیش که وایبر بود؛ البته آن زمان بیشتر به مادران آموزش می‌دادم که چگونه در منزل با بچه‌ها درس‌ها را تمرین کنند. تقریباً ۶ سال پیش که تلگرام هم آمد دانش‌آموزانم کلاس پنجم بودند که برای‌شان گروه تشکیل دادم؛ برای اینکه بتوانند با هم در ارتباط باشند ولی زیر نظر خودم؛ مثلاً اجازه می‌دادم برای تدریس فردا نظرات و پیشنهادات‌شان را اعلام کنند. بعد هم کرونا شد و در سامانه شاد تدریس داشتم.

خانم معلم عزیز چه توصیه ای برای والدین دارید تا کمکی درست و به‌جا بکنند؟ توصیه من به والدین این است که فیلم‌ها و ویس‌هایی که معلم برای فرزندان‌شان می‌فرستند، اول خودشان با دقت ببینند تا متوجه درس بشوند بعد با صبر و حوصله با فرزندشان کار کنند؛ زیرا یکی از عوامل مهم در یادگیری دروس تکرار و تمرین است

که با تداوم این کار می‌توانیم به اهداف آموزشی برسیم. والدین نباید خودسر به کودک آموزش دهند چون مثلاً درس ریاضی صفحه به صفحه تدریس خاص خودش را دارد. مخصوصاً کلاس ۴ و ۵ و ۶ که کاملاً تدریس هر صفحه با هم فرق دارد.



بهترین روش برای تدریس در فضای مجازی چیست؟ یک

معلم حتماً باید مسلط به تدریس باشد و دانش‌آموزان را با کلیپ‌های متفاوت و جذاب و پر از خلاقیت‌های کودکانه به درس علاقه‌مند کند و مانند کلاس حضوری با تک‌تک دانش‌آموزان ارتباط برقرار کند، درست است بسیار سخت و دشوار و زمانبر است؛ ولی مسئولیت بزرگی است؛ زیرا آینده کشور در دست

معلمان امروزی است و باید این مهم به‌درستی و با دقت و حوصله انجام شود.

چه کمکی می‌شود از فضای مجازی در جهت آموزش بهتر دانش‌آموزان گرفت؟ دانش‌آموزان می‌توانند رفع اشکال کنند همان‌طور که گفته شد می‌توانند ویس‌ها را بارها بشنوند و یا حتی آنلاین تدریس معلم‌های دیگر را



نیز ببینند در صورتی که متوجه تدریس معلم خود نشدند به راحتی از معلم های دیگر کمک بگیرند، در اصل مثل یک معلم خصوصی رایگان در دسترس همه بچه ها قرار دارد.

روش شما در فضای مجازی به چه شکلی است ؟ سعی می کنم تدریس هایم کوتاه و مختصر باشد تا حوصله بچه ها سر نرود و بتوانند سریع دانلود کنند. باید خود کودک هم برایم به صورت فیلم از روی کتاب بخواند تا قبول کنم ؛ امتحان آخر سال هم برای اینکه مطمئن باشم خود دانش آموز پاسخ می دهد، به صورت خصوصی گرفتم با کتاب داستان های متفاوت برای هر دانش آموز .

ما می توانیم درس ها را به صورت زنده تدریس کنیم ؛ برای آشنایی بهتر دانش آموزان با معلم، ولی متأسفانه ایراد بزرگ برنامه شاد چه پارسال و چه امسال این بود که خیلی قطع و وصل می شود. ولی من باز هم خیلی ویس می فرستادم تا بچه هایم از تدریس عقب نمانند و برای تکالیف زمان نمی دادم چون مادرها بین شان یک رقابت به وجود آمده بود که چه کسی زودتر تکالیف را ارسال کند و این کودک را اذیت می کرد و من این فضای رقابت را از بین بردم. به جایش در بین کودکان با روخوانی و روش صدا کشی تدریس را ادامه می دادم تا راحت تر بفهمم کدام دانش آموز متوجه درس شده و کدام یک هنوز متوجه نشده است.

معایب استفاده از فضای مجازی چیست ؟ قبل از کرونا برای اکثر بچه ها گوشی قدغن بود یا اگر هم استفاده می کردند خیلی محدود بود؛ ولی الان مجبور به استفاده از آن هستند که یا با گوشی والدین یا خود کودک از طریق تبلت با دنیای مجازی آشنا می شود و این باعث مشکلات بسیاری شده؛ به طور مثال کودکان سردرد و گوش دردهای مداوم ، چشم درد ، کمر درد و نرمی استخوان می گیرند. بعضی از بچه ها مادران شان شاغل هستند و کودک از گوشی مادر استفاده می کند و در زمان آموزش مادر خانه نیست و بچه از درس عقب می ماند و یا کسی را ندارد که به او دیکته بگوید و بسیار سخت است. بعضی اینترنت ندارند، بعضی دستگاه ندارند. در کل بسیار سخت و پرچالش است.

در پایان جمع بندی شما در مورد استفاده از فضای مجازی چیست ؟ اگر بخواهم در مورد فضای مجازی جمع بندی کنم باید بگویم قطعاً فضای حضوری بهتر است؛ ولی خب در شرایط کنونی بهترین ابزار را در اختیار داریم و این ابزار بهترین برای آینده در هنگام آلودگی هوا یا بیماری یک کودک است که می توان از آن استفاده کرد. در پایان با یک بیت شعر چکیده مطالب بالا را عنوان می کنم :

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

درس معلم آر بُود زمزمه محبتی



یعنی اگر معلم حرفه‌اش را خوب بلد باشد و عاشق شغلش باشد، چه در فضای مجازی و چه در فضای واقعی، دانش‌آموزان به درس خواندن علاقه‌مند می‌شوند و انسان‌هایی با سواد و فرهیخته تحویل جامعه داده خواهد شد.



We با صدای «وی» = ما

Love با صدای «لاو» = دوست داشتن

Our با صدای «آؤر» = برای ما

Teachers با صدای «تیچرز» = معلم‌ها

روی هم چه می‌شود؟

ما معلم‌های خود را دوست داریم.

قوانین کلاس مجازی



بچه‌های عزیز ما، با توجه به شرایط موجود می‌دانید که بیشتر کلاس‌های مدرسه و دیگر کلاس‌های آموزشی‌تان به صورت مجازی و یا آنلاین برگزار می‌شود، حتماً این را

هم می‌دانید که کلاس‌های مجازی



هم برای خود قوانینی دارد که مثل کلاس‌های حضوری باید آن قوانین را اجرا کنیم. اینجا قرار است با هم این قوانین را مرور کنیم.

قانون اول: باید دقیقاً سر ساعت مشخص شده سر کلاس حاضر باشید.



قانون دوم: در کلاس‌های مجازی مثل کلاس‌های حضوری، باید قبل از صحبت



کردن اجازه بگیرید. اگر قرار باشد همه بچه‌ها با هم صحبت کنند، هیچ کس حرف‌ها را متوجه نمی‌شود و نظم کلاس به هم می‌ریزد.

قانون سوم: وقتی سر کلاس هستید نباید تلویزیون نگاه کنید. هر کاری که



باعث ایجاد حواس‌پرتی می‌شود ممنوع است. می‌توانید موقع کلاس به اتاق خودتان یا قسمت خلوت خانه بروید تا بتوانید با دقت به حرف‌های خانم یا آقای معلم گوش دهید.



قانون چهارم: تکالیف خود را به موقع و در ساعت تعیین شده برای معلم یا مربی

خود ارسال کنید. چرا؟ چون معلم مهربان، در آن ساعت منتظر تکالیف شماست که با دقت آن‌ها را تصحیح کند. اگر دیرتر از ساعت اعلام شده تکالیف‌تان را ارسال کنید، شاید نتواند آن‌طور که باید به آن‌ها رسیدگی کند.



قانون پنجم: وقتی معلم یک فیلم آموزشی

یا فعالیتی را برای شما ارسال می‌کند، شما خودتان موظف هستید که آن فیلم را ببینید و فعالیت مربوط به آن را انجام دهید. مبدا بگوئید من الان حوصله ندارم، می‌خواهم بازی کنم، مادر شما انجام

بده. به این شکل، از مبحثی که معلم به شما یاد می‌دهد، چیزی یاد نمی‌گیرید و از درس‌تان عقب می‌افتید.



قانون ششم: درست است که کلاس‌های مجازی با استفاده از تلفن همراه،

تبلت و رایانه برگزار می‌شود؛ اما باید بدانید که استفاده از آن‌ها باید محدود به زمان کلاس‌ها شود. مبدا آن قدر غرق استفاده از این ابزارها بشوید که از درس و مطالعه و مشق‌هایتان غافل بمانید.



بچه ها قصه



مثل باران

شنیدن صدای جیک جیک گنجشکان همیشه برای آرزو لذت بخش بود، طوری گنجشکان سرو صدا می کردند که انگار می خواهند تولد دوباره خورشید را جشن بگیرند! داشت موسیقی این آهنگ دلنشین را برای خودش زمزمه می کرد که با صدای مهربان مادرش چشمانش را باز کرد: «آرزو جان! پاشو عزیزم.»

خمیازه های کشید و درحالی که تلاش می کرد پتو را از زیر دستان مادر روی سرش بکشد با جمله ای مبهم گفت: «یه کم دیگه بخوابم!»

مادر که می دانست تا آرزو از رختخواب جدا شود و آمادگی لازم را برای حضور در کلاس پیدا کند، کلی طول می کشد، لحنی جدی به صدایش داد و گفت: «چه خوابی؟! به اندازه کافی خوابیدی، پاشو ساعت هشت کلاس آنلاین داری!» آرزو که انگار تازه چیزی یادش آمده باشد، زیر لب نُچی گفت و اول کمی روی تشکش نشست و بعد از کمی کِش و قوس، از جایش بلند شد. مثل همیشه پیش از هرچیز، پرده آبی اتاقش را کنار زد و پنجره را تا آخر باز کرد تا وجودش را از هوای تازه صبحگاهی پُر کند! حالا با باز شدن پنجره، به خوبی می توانست گنجشک های کوچک را ببیند که در هوای سرد زمستان به این طرف و آن طرف می پریدند.



به ساعت نگاه کرد، عقربه‌های ساعت برای رسیدن به هم، عجله داشتند! به همین دلیل کمی به انجام کارهایش سرعت داد. صبحانه‌اش را که خورد، گوشی را روشن کرد و به کلاس رفت. آن ساعت مربوط به درس فارسی بود و بچه‌ها هم مشغول صحبت بودند که خانم معلم کلاس سوم مثل همیشه با یک سلام و احوالپرسی گرم، کلاس را شروع کرد. بعد از کمی ورق‌زدن کتاب و رسیدن به صفحه مورد نظر، گفت:

«بچه‌ها! همه‌تون صفحه ۶۰ کتاب باز کنید تا با درس جدید آشنا بشید ... آرزو جان لطفاً با دقت، از روی شعر بخوان!»

آرزو که همیشه علاقه خاصی به خواندن اشعار داشت، چشمی گفت و با صدای بلند و محکم خواند:



«کاش می‌شد مثل باران می‌شدیم

مهربان و تازه و بی‌ادعا

نرم، با آوازهای شاد خود

رقص می‌کردیم روی سبزه‌ها»

وقتی شعر می‌خواند، انگار تمام احساسش در واژه‌های شعر جاری می‌شد! پس از تمام شدن ابیات، با تشویق خانم معلم روبه‌رو شد.

در همین لحظه ناگهان آرزو به یاد نهال افتاد! او همسایه و دوست آرزو بود که مدتی پیش، پدرش را از دست داده بود و اصلاً وضعیت مالی خوبی نداشت و نمی‌توانست گوشی تهیه کند. او هم مثل آرزو کلاس سوم بود؛ اما در مدرسه دیگری درس می‌خواند. نهال بعدازظهری بود. برای لحظه‌ای تمرکز آرزو به هم ریخت و یادش افتاد نهال امروز امتحان دارد و باید به سرعت گوشی‌اش را به او بسپارد.



آرزو با مادر و پدرش صحبت کرده بود و آن‌ها هم موافقت کرده بودند تا هردو با یک گوشی درس بخوانند. به همین خاطر آرزو بعد از تمام شدن کلاس باید سریع گوشی را به نهال می‌رساند. پدر و مادر آرزو هم آن قدر در دست‌شان نبود که بخواهند گوشی دیگری برای آرزو بخرند و به آرزو اجازه دهند گوشی را برای همیشه به نهال هدیه کند.

به محض پایان کلاسش لبخندی زد و گفت:

«مادر من می‌رم گوشی رو بدم به نهال الان برمی‌گردم.»

مادر با خوشحالی دستی روی شانه دخترش آرزو گذاشت و گفت:

«باشه عزیزم... برو... مراقب باش، زود برگرد!»

آرزو لبخندی زد و گفت: «چشم مادر جون»

بعد درحالی که شاد و سرحال، سعی می‌کرد شعر آن روزش را زیر لب بخواند از خانه خارج شد.

«کاش می‌شد مثل باران می‌شدیم

مهربان و تازه و بی‌ادعا»

گوشی را به دست نهال سپرد و به خانه برگشت و شروع کرد به نوشتن تکالیفش. هنوز شب نشده

بود که نهال و مادرش گوشی آرزو را برایش آوردند.

آرزو شب موقع خواب، با خدا حرف زد و گفت:

«خدایا کاش می‌شد یک گوشی برای نهال می‌فرستادی تا او هم درسش را خوب بخواند.»

و بعد در همین فکرها بود که خوابش برد.

مادر آرزو برای آرزو در بانک حسابی باز کرده بود که هر ماه مبلغ ناچیزی به آن اضافه می‌کرد تا پس

اندازی برای آرزو باشد. آن شب مادر آرزو هم نگاهی به دفترچه حساب آرزو کرد؛ ولی مبلغ آن حساب

به قدری نبود که بتواند یک گوشی یا تبلت برای آرزو بخرد. آن شب مادر آرزو هم با خدا حرف زد که:



«خدایا ممنون که دختر بخشنده‌ای مثل آرزو به من هدیه دادی. برای هرچه به ما دادی و ندادی

شکر»

فردا صبح وقتی آرزو وسط کلاس درس بود. یک مرتبه پیام ارسال شده به گوشی‌اش را دید. مبلغ قابل توجهی به حساب قرض الحسنه آرزو ریخته شد. حسابی تعجب کرد و تندى گوشی را برای مادرش

برد و گفت:

«مادر این را ببین!»

مادر آرزو با چشم‌های گشادشده نگاهی به آن پیام کرد و بعد با خوشحالی گفت:

«آرزو برنده شدی! در حساب قرض الحسنه برنده کلی پول شدی!»

آرزو از خوشحالی جیغ می کشید و مادرش به سمت خدا دعا می کرد.

چند روز بعد، وقتی آرزو در اتاقش مشغول نوشتن مشق‌هایش بود، پدرش با بسته‌ای از سر کار آمد و با مهربانی گفت: «سلام به روی ماه دختر عزیزم... بیا... بیا ببین این چیه...؟! آرزو کنار پدر نشست و بسته را باز کرد... از تعجب نمی توانست چیزی بگوید و به سختی دهانش را باز کرد و گفت: «یه گوشی نو» پدر دستی به سر دخترش کشید و گفت: «بله عزیزم، با پول خودت برایت خریدم. من می دانم تو چقدر دختر مهربان و بخشنده‌ای هستی. حالا می توانی گوشی قدیمی‌ات را به نهال هدیه بدهی.»

آرزو که تا آن لحظه مشتاقانه به حرف‌های پدر گوش می کرد، زیر لب گفت: «چقدر خوب...! خدایا

شکرت!» اما در همان لحظه تصمیم مهمی گرفت و به پدرش گفت:

«پدر من گوشی ام هنوز خوب است و به این گوشی عادت دارم، اجازه می دی این گوشی نو را به

نهال هدیه بدهیم؟»

پدر کمی فکر کرد و اشک در چشمانش حلقه زد و سر آرزو را بوسید و گفت:



«حتماً دخترم، تو مثل باران بخشنده ای»

آرزو همان روز گوشی جدیدش را به نهال هدیه داد و نهال محکم او را در آغوش گرفت و از خوشحالی

ذوق کرد.

آن شب پدر آسمانی نهال برای آرزو دعاهای خوب کرد و از خدا خواست همیشه در درس و

زندگی اش موفق باشد.



بچه ها این قصه را خواندید؟

شما اگر جای آرزو بودید چه می کردید؟

در این باره با پدر و مادر یا معلم خود صحبت کنید.



آشنایی با یک غول مجازی

بچه‌ها دوست دارید با یکی از برترین شخصیت‌های فضای مجازی آشنا شوید؟ آقای

استیو جابز خالق «آپل». اپل در زمان انگلیسی به معنی

سیب است. وقتی گفتیم خالق اپل منظورمان سیبی که

می‌خوریم نیست! آن سیب، خالق بزرگی دارد که همان

خداوند متعال است. بهتر است کمی بیشتر با استیو جابز

آشنا شویم و ببینیم چطور سیبی برای ما ساخته است! آن هم یک سیب گاززده.

شاید از بین شما کسی بود که روزی توانست «آپل» دیگری خلق کند.



استیو جابز کودک یتیمی بود که «پل» و «کلارا» در ایالت کالیفرنیا سرپرستی او را برعهده گرفتند.

کودک شرور و شیطانی که علیرغم همه بازیگوشی‌های کودکانه‌اش با دیگر همسن و سالانش

تفاوت‌های بسیاری داشت. علاقه او به دستکاری لوازم

الکتریکی اگر چه عصبانیت‌های شدید اطرافیان را در پی

داشت؛ اما مواقعی نیز پدید می‌آمد که سبب حیرت

دیگران گردد.

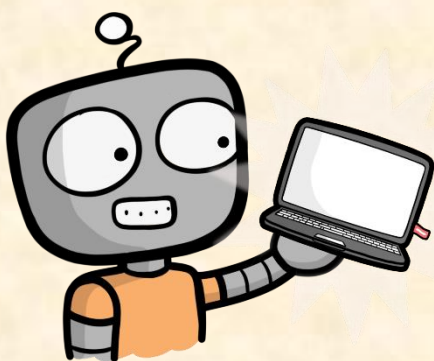
دوران مدرسه نیز با این شور و هیجان نسبت به

ابزارآلات برقی سپری شد تا اینکه در سال ۱۹۷۲ از

دیرستان فارغ‌التحصیل شد و پا به دانشکده گذاشت.

علاقه فراوان او به شرکت در سمینارهای الکترونیک در مکان‌های مختلف شهر سبب شد تا در همان

ترم اول در کلاس‌های درس حاضر نشود و سرانجام از دانشگاه اخراج شود.





در طول تابستان در یکی از کارگاه‌های الکترونیکی مشغول به کار شده بود و توانست دوستان خوبی در آنجا به دست آورد که استغاف وزیناک از بهترین آن‌ها به شمار می‌رفت و بعدها فعالیت‌های بسیاری را به همراه او انجام داد.

این دوست، دستگاهی به نام وزیناک ساخته بود که سبب علاقه جابز به او شده بود. این دستگاه که نام آن را «جعبه آبی» گذاشته بودند به دستگاه تلفن متصل می‌شد و به صاحب آن این امکان را می‌داد که تماس‌های تلفنی خود را به طور رایگان انجام دهند. در سال ۱۹۷۴ پس از ترک تحصیل از دانشگاه، استیو در یک شرکت طراحی بازی‌های رایانه‌ای با عنوان «آتاری» مشغول به کار شد. پس از گذشت چند ماه، توانست مبالغی پول پس‌انداز کند.



در پاییز ۱۹۷۴ با دوستش وزیناک یک رایانه شخصی ساختند و آن را به مغازه‌دار محله نشان دادند. مغازه‌دار که از دیدن آن بسیار متحیر و شگفت‌زده شده بود، به آن‌ها سفارش ساخت ۲۵ دستگاه از این نوع را داد. اندکی بعد با مشورت یکی از دوستان دیگر که مدیر فروش یک کمپانی نه‌چندان بزرگ بود؛ تصمیم گرفتند، شرکتی بنا کنند و کار تولید این نوع رایانه را آغاز کنند و اسم این شرکت را اپل (سیب) گذاشتند! رایانه اپل ۱ چنان سر و صدایی در جهان به پا کرد که نام جابز و وزیناک همه‌جا پراکنده شد.

سال بعد نوع جدید و پیشرفته‌تر آن یعنی اپل ۲ به بازار آمد و در پس آن اپل ۳. آن دو هیچ‌وقت از تلاش دست نکشیدند! سال‌های بعد با طراحی «مکیناش» شهرت جابز بیش از پیش شد و نام او را برای همیشه در صنعت و تکنولوژی جهان به ثبت رساند. استیو جابز یکی از کسانی است که پیش از ۳۰ سالگی توانست شهرت و ثروت عظیمی از طریق پایه‌گذاری کمپانی «اپل» از آن خود کند. او متأسفانه در تاریخ ۶ اکتبر ۲۰۱۱ در کالیفرنیا درگذشت.

آیا شما نیز می‌توانید در آینده همانند استیو جابز شوید؟

بله همه می‌توانند به شرط تلاش و کوشش و خسته نشدن!



بازی و سرگرمی



در این روزها که بچه‌ها بیشتر وقت‌شان را در خانه می‌گذرانند، برای جلوگیری از استفاده فراوان از گوشی و دیدن تلویزیون، می‌توانیم به راحتی اوقات خوشی فراهم کنیم که هم سرگرم بشوند و هم در حین بازی آموزش ببینند. فقط کمی خلاقیت نیاز دارد، در اینجا ما چند بازی

راحت و سرگرم‌کننده پیشنهاد می‌دهیم که امیدواریم مفید باشد.

الگویابی با نمک:



الگوهایی مثل خط شکسته، خمیده، دایره و... روی کاغذ بکشید، یک سینی پر از نمک در اختیار بچه‌ها قرار دهید، حالا از کودکان بخواهید که به الگوها خوب نگاه کنند و با توجه به آن‌ها روی نمک با استفاده از انگشتان‌شان الگوها را ترسیم کنند. این بازی باعث تقویت عضلات ریز دست و همین‌طور هماهنگی چشم و دست بچه‌ها می‌شود که برایشان خیلی لذت‌بخش است.





شکل‌های هندسی:



شکل‌های هندسی مثل مربع، سه گوش و دایره را روی کاغذ نقاشی کنید. حالا از کودک بخواهید با خمیر بازی‌هایش روی خط شکل‌ها را دورگیری کند، این بازی باعث شناخت اشکال هندسی و همچنین باعث تقویت مهارت دست‌ورزی و دقت دیداری بچه‌ها می‌شود.



پازل:



روی کاغذ، مقوا یا یک تکه کارتن، اسباب‌بازی‌های بچه‌ها را قرار بدهید و از بچه‌ها بخواهید با استفاده از ماژیک، شکل اسباب‌بازی‌ها را دورگیری کنند، حالا اسباب‌بازی‌ها را در سبد بریزید. از کودک بخواهید که با توجه به شکل کشیده‌شده

اسباب‌بازی‌ها را پیدا کنند و در جای مناسب قرار بدهند. به همین راحتی یک پازل درست کردید که هم دقت و تمرکز بچه‌ها را افزایش می‌دهد و هم هماهنگی چشم و دست آن‌ها را.



بازی‌های ریاضی:



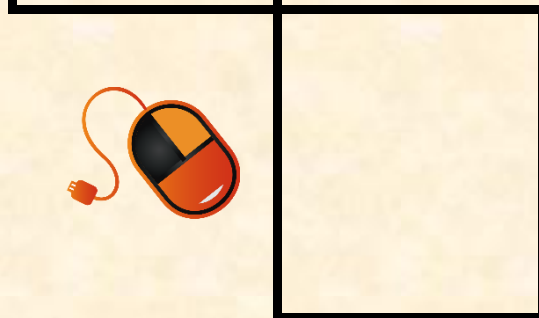
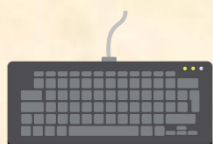
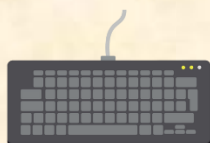
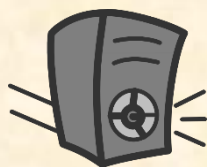
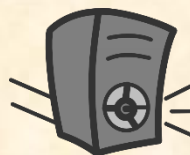
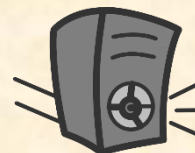
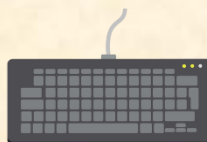
دایره‌هایی را روی کاغذ رسم کنید و بنابر دانش کودکان اعداد را داخل آن‌ها بنویسید، وسایلی همچون، پولک، کاغذهای رنگی مچاله‌شده، حبوبات و ... در اختیار بچه‌ها بگذارید و از آن‌ها بخواهید با توجه به اعداد داخل دایره، به تعداد اعداد از حبوبات یا وسایل دیگر جدا کنند و در داخل دایره‌ها بچینند. به همین راحتی هم شمارش اعداد را با بچه‌ها تمرین و هم ساعت خوشی را برای آن‌ها فراهم کردید.

اختلافات بین دو تصویر را پیدا کنید.



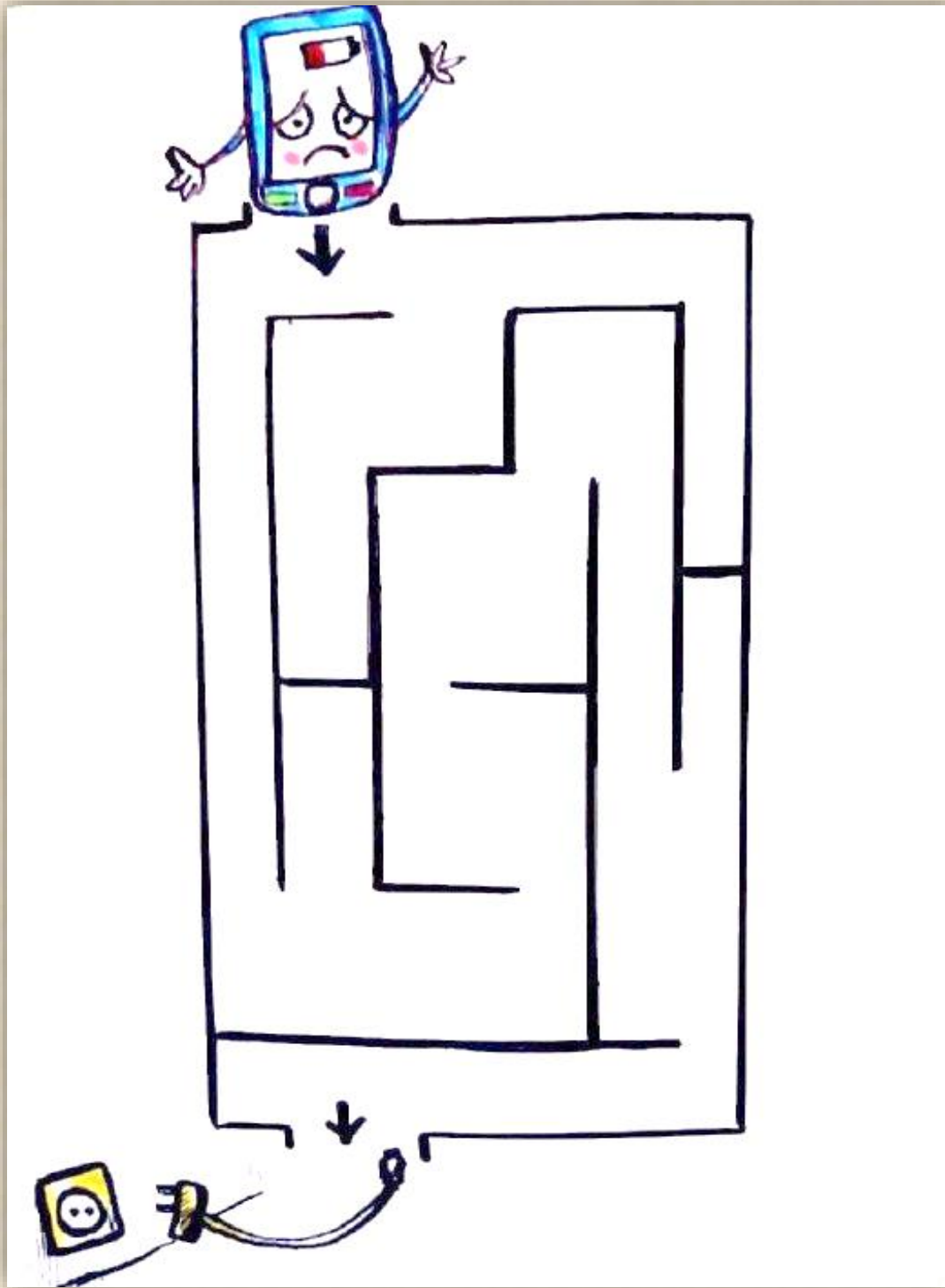


در مربع های خالی چه تصویری بگذاریم؟
این بازی همان سودکو است.





بچه‌ها گوشی من شارژ ندارد. الان کلاس شروع می‌شود، می‌شود
زودتر کمک کنید راهی برای رسیدن به پریز برق پیدا کنم؟





بچه‌های عزیز دوست دارید با استفاده از نقاشی‌های خود یک پازل درست کنید؟
هر شکلی را دوست دارید نقاشی کنید و بعد به وسیله قیچی آن را در ابعاد مختلف برش بزنید.
به همین راحتی شما یک پازل از نقاشی خودتان دارید!



اصلاً نظرتان چیست فیلم آموزشی این بازی - نقاشی را ببینید؟
پس **اینجا** کلیک کنید یا بارکد زیر را با گوشی خود اسکن کنید.



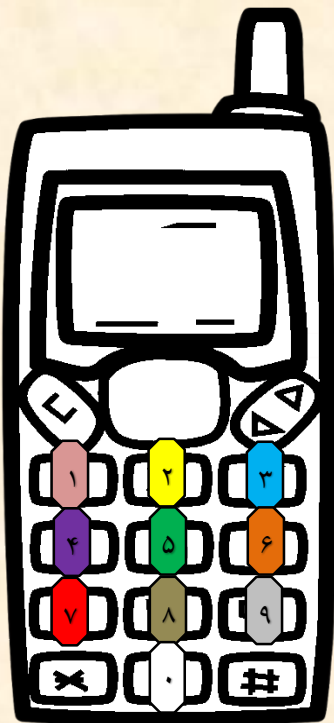


ماجرای یک تماس ضروری!

قسمت سوم: اورژانس

حسین با کمک شما به آتشنشانی هم زنگ زد. حالا پلیس و آتشنشانی رسیده‌اند و دزد دستگیر شد و آتش هم خاموش شد. حسین خوشحال نشسته بود که دید پدر بزرگش کمی قلبش درد می‌کند و از دیدن صحنه‌های خانه همسایه به هیجان آمده است. حسین به او گفت: «سریع به اورژانس زنگ بزن».

بلندبلند به حسین رنگ شماره‌های اورژانس را بگویید.



خدا را شکر آمبولانس هم رسید و حال پدر بزرگ حسین هم خوب است.

بچه‌ها ممنون از کمک شما،

یادتان باشد این شماره‌ها ضروری است و همه باید آن‌ها را حفظ کنیم.



نرم افزارهای کاربردی

بچه ها موافق هستید چند نرم افزار خوب کاربردی به شما معرفی کنیم تا با نصب آن ها هم سرگرم شوید و هم بتوانید

مطالبی یاد بگیرید؟

پس با ما همراه شوید.



این بازی ها را می توانید از **کافه بازار** و یا سایر

فروشگاه های نرم افزاری به رایگان دریافت کنید.

قطار قرآنی

روانشناسان بر این باورند که وقتی آموزش همراه با بازی و سرگرمی باشد، کودکان اشتیاق بیشتری برای یادگیری دارند. بازی قطار قرآنی، سعی دارد در حین بازی، آیات قرآن را به کودکان آموزش دهد. بازی ای که درعین جذابیت، باعث تقویت هوش و حافظه و هماهنگی چشم و دست می شود.





تلاش قطار قرآنی این است تا با استفاده از بازی‌های مختلف و مناسب کودکان، تصاویر زیبا و رنگارنگ و صوت‌های زیبا کودکان را سرگرم کرده و سوره‌های مناسب کودکان را به آن‌ها آموزش دهد. از جمله ویژگی‌های این بازی قرآنی می‌توان به تقویت هوش و حافظه تقویت هماهنگی چشم و دست اشاره کرد. می‌توانید روی اسم **قطار قرآنی** هم کلیک کنید و مستقیم این بازی را دریافت کنید.

تلفن کودک

این بازی زیبا درواقع یک شبیه‌ساز تلفن همراه برای کودکان است و کودک شما با بازی تلفن کودک می‌تواند با اعداد، رنگ‌ها و اشکال آشنا شود، مخاطبین را ذخیره کند و به مخاطبان ذخیره‌شده خودش زنگ بزند. با صدای حیواناتی مثل مرغ، جوجه، غاز، گاو، گربه و دلفین آشنا شود، حتی می‌تواند به آن‌ها زنگ بزند یا منتظر تماس‌شان بماند تا آن‌ها به او زنگ بزنند یا پیام بدهند.



با شماره‌های ضروری مثل اورژانس، پلیس و آتشنشانی و همچنین صداهای ماشین اورژانس ماشین پلیس و ماشین آتشنشانی آشنا شود. این نرم‌افزار به دو زبان فارسی و انگلیسی در دسترس است و به دلیل اینکه

محیطی شبیه به تلفن همراه را شبیه‌سازی کرده است موجب می‌شود که کودک به‌جای گشت و گذار در محتوای تلفن همراه، با والدین در محیطی شاد، موفق به یادگیری مواردی شود که به آن‌ها نیاز دارد. می‌توانید روی اسم **تلفن کودک** هم کلیک کنید و مستقیم این بازی را دریافت کنید.



تلفن‌های هوشمند با توجه به استفاده از اینترنت می‌توانند حاوی مطالبی باشند که به هیچ‌عنوان برای کودکان مناسب نیست. به همین دلیل برخورداری از فضایی امن و درعین‌حال شاد می‌تواند کودکان را از فضای آسیب‌زای این‌گونه وسایل در امان نگه دارد. یکی از نرم‌افزارهای ایرانی و خوبی که در



این زمینه فعالیت خود را آغاز کرده، تاجیکستان نام دارد. هدف این نرم‌افزار ایجاد دنیایی شاد است که می‌تواند به کودکان موارد مختلفی را آموزش دهند و درعین‌حال آن‌ها را درگیر یک سرگرمی سالم کنند.

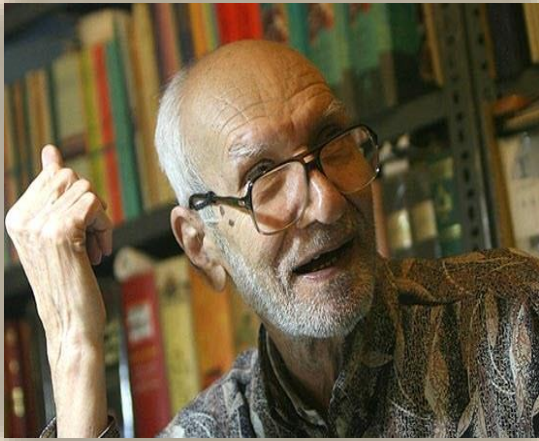
در محیط تاجیکستان کودک شما به تعداد زیادی قصه، ترانه، لالایی و بازی دسترسی دارد و می‌تواند هر شب یک قصه جدید ببیند. می‌توانید روی اسم **تاجیکستان** هم کلیک کنید و مستقیم این بازی را دریافت کنید.



شما چه نرم‌افزار خوب دیگری می‌شناسید؟
می‌توانید آن‌ها را به ما معرفی کنید.



آشنایی با یک نویسنده



مهدی آذر یزدی، پیرمرد قصه‌گوی ادبیات کودک و نوجوان ما، پدر ادبیات کودک و نوجوان و یکی از کسانی است که از ابتدا تا پایان حیات برای کودکان و قصه‌هایی مختص آن‌ها کوشید.

بچه‌های عزیز، خیلی خوب است با او و

کتاب **قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب** بیشتر آشنا بشویم.

روحش شاد، یادش گرامی.

مهدی آذر یزدی در سال ۱۳۰۰، در روستایی در یزد به دنیا آمد. از ۸ سالگی همراه پدرش کشاورزی و بنایی می‌کرد و همراه آن، به مدت یک سال و نیم، صبح‌های تاریک به مدرسه «خان» رفت. او تا طلوع آفتاب، نزد یک «آشیخ» که او هم روزها در گیوه‌فروشی کار می‌کرد همراه با سه شاگرد دیگر، زبان عربی را با اصرار پدر آموخت.

آذر یزدی، آن دوران را این‌گونه روایت می‌کند: «در محله ما کسی کتاب نمی‌خواند، جز سه، چهار نفر روحانی اهل منبر. مجله و روزنامه و کسب خبرهای روز، اصلاً معنی نداشت. تمام معلومات دینی و دنیایی مردم در آنچه از مسجد و پای منبر یاد می‌گرفتند خلاصه می‌شد که مفید بود. من هم تا شانزده، هفده سالگی، جز آنچه در خانه یا مسجد یا روضه شنیده بودم، چیزی نمی‌دانستم. آن هفت، هشت کتاب توی خانه را خوانده بودم، ولی پدرم هرگز کتاب تازه‌ای نخرید... ما در خانه هفت، هشت کتاب بیشتر نداشتیم که عبارت بودند از: قرآن، مفاتیح، حلیۃ المتقین، عین الحیات، معراج السعادة، نصاب الصبیان، جامع المقدمات... پدر من هم مدرسه نرفته بود و سواد خود را از مردی به نام «رحمت‌الله»، قاری قرآن یاد گرفته بود.»

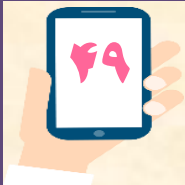


در ۲۰ سالگی به کارهای بنایی و جوراب‌بافی پرداخت و پس از آنکه صاحب کارگاه جوراب‌بافی تصمیم به تأسیس دومین کتابفروشی شهر یزد گرفت، او را از میان شاگردان کارگاه جوراب‌بافی به کتابفروشی منتقل کرد. کار در کتابفروشی زمینه‌آشنایی او با اهالی شعر و ادب را فراهم کرد.

در سال ۱۳۲۲، دو سال بعد از رفتن رضاخان و در بحبوحه جنگ جهانی دوم به تهران آمد و در چاپخانه «علمی» مشغول به کار شد. آذر یزدی در سال ۱۳۳۵، پس از خواندن قصه‌ای از کتاب «انوار سبیلی»، به فکر ساده‌نویسی قصه به شیوه‌ای مناسب برای کودکان افتاد که زمینه‌ساز نوشتن جلد اول کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» شد.



او در سال ۱۳۳۶ با توجه به زمینه مطالعات بسیاری که داشت، شروع به نوشتن داستان‌های گوناگون برای کودکان کرد. آذریزدی در سال ۱۳۷۳ دوباره به یزد بازگشت و به خانه پدری رفت تا بتواند در آرامش مطالعه نماید و به نگارش داستان‌هایش ادامه دهد. وی تعدادی از مهم‌ترین متون کهن از جمله: گلستان و بوستان سعدی، مثنوی مولوی، کلیله و دمنه و... را دوباره‌نویسی کرد و داستان‌های این کتاب‌ها را به زبان بچه‌ها نوشت. او همچنین قصه‌های قرآن حکیم را نیز به شیوه‌ای متفاوت از کارهای پیش از خود، برای کودکان نگارش کرد.



بچه‌های عزیز، دوست دارید چند تا از این قصه‌ها را با صدای قصه‌گوهای ما بشنوید.
بسیار خوب، می‌توانید بر روی عکس زیر کلیک کنید و وارد **رادیو قصه** شوید و قصه‌های متفاوتی را
که همگی برگرفته از کتاب **قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب** است بشنوید. همچنین می‌توانید با
اسکن بارکد زیر با گوشی همراه خود وارد صفحه رادیو شوید.





چیستان

- 
- ۱- آن چیست که هم کلام درویشان است و هم نام سایتی معروف ؟
 - ۲ - آن چیست که در دست تمام دانش‌آموزان کلاس است و برگ برگ است ؟
 - ۳ - آن چیست که دو دست و یک صورت دارد اما نمی‌تواند چیزی را نگه دارد ؟
 - ۴- آن چیست که در اسمش کلید دارد؛ اما قفلی ندارد، دکمه دارد اما کت نیست.

یادتان باشد جایی در مجله جواب این چیستان‌ها موجود است.

بگردی آن‌ها را پیدا می‌کنی!



دکتر دکتر

بچه های عزیز، استفاده بیش از حد از تلفن همراه، کامپیوتر یا تبلت، آسیب های جسمی فراوانی بر شما وارد می کند. شما باید سالم باشید تا بتوانید در آینده، زندگی خوبی داشته باشید. در اینجا به شما می گوئیم که این استفاده فراوان، چه آسیب های عجیب و غریبی می تواند به بدن شما وارد کند. این بخش از مجله را با پدر و مادر، مربی، معلم و یا یکی از بزرگترهای خود بخوانید تا هر جا را خوب متوجه نشدید از آن ها راهنمایی بگیرید.



ضعف بینایی: بررسی های جدید دانشمندان اروپایی نشان می دهد که کار زیاد با ابزارهای الکترونیکی، به چشم کودکان، آسیب های جدی وارد می کند و می تواند برای سیستم عصبی و چشمی کودکان بسیار مضر باشد.

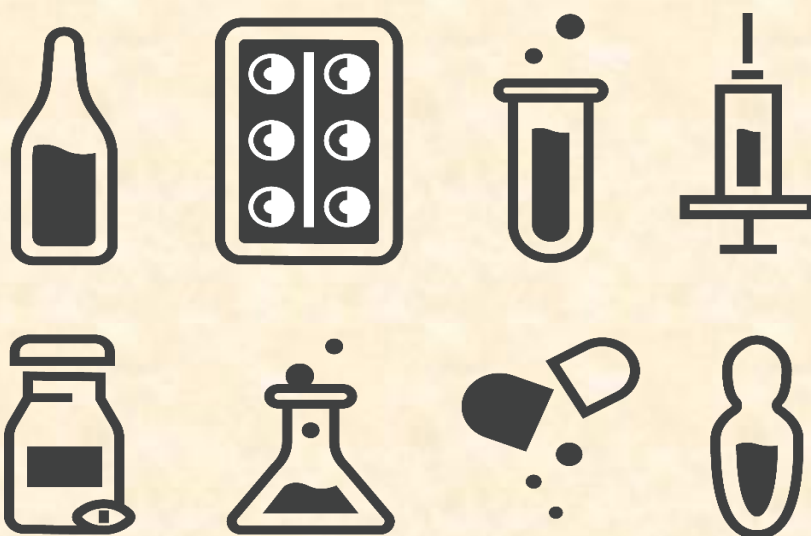
بروز مشکلات عصبی در کودکان: یک جانشینی و غافل شدن از بازی های کودکانه، موجب بروز مشکلات عصبی در آن ها می شود. کار زیاد با رایانه، تبلت، گوشی و حتی تماشای زیاد تلویزیون از فاصله نزدیک و مواجهه بیش از حد با منابع نوری، باعث بروز این مشکل می شود. انجمن متخصصین اطفال امریکا نیز می گوید که کودکان پیش از دو سالگی نباید به هیچ نمایشگری نگاه کنند؛ اما تقریباً ۹۰ درصد کودکان تا قبل از دو سالگی به طور منظم تلویزیون نگاه می کنند.

پایین آمدن کیفیت خواب: زمانی که افراد به گوشی های هوشمند و تبلت های خود در تاریکی نگاه می کنند، طول موج کوتاه نور آبی، منجر به تأخیر در ترشح ملاتونین می شود و پیرو آن، فرایند خواب



سخت‌تر می‌شود. عدم داشتن خواب منظم هم با خطر بالای افسردگی، چاقی، حمله قلبی، سکته مغزی و دیابت مرتبط است.

📌 **به وجود آوردن اختلالات ذهنی:** به گفته محققان روسی، ارسال بیش از اندازه پیام، نوعی وسواس و اختلال ذهنی به دنبال دارد که متأسفانه نزد کاربران نوجوان بسیار رایج است. استفاده بیش از اندازه و غیرضروری از تلفن همراه برای کاربر استرس و پریشانی ذهنی پدید می‌آورد. این اختلالات به حدی است که نوعی بیماری روانی و عصبی بر اساس آن تعریف شده است و فرد مبتلا در طول روز چندین بار احساس می‌کند گوشی تلفن همراهش زنگ می‌خورد.



📌 **منزوی شدن کودکان:** بازی با تبلت و گوشی همراه، فرصت آموزش، خواندن، نوشتن و حتی اجتماعی شدن و برقراری ارتباط با دیگران را از کودکان سلب می‌کند. تمام‌رویهایی که می‌توانند بهترین گزینه برقراری ارتباط کودکان با دیگران و ایجاد روابط اجتماعی مفید باشد، با بازی با وسایل الکترونیکی به هدر می‌رود.

📌 **چاقی کودکان:** با فراگیر شدن تبلت‌ها و گوشی‌های هوشمند، چاقی کودکان بیش از قبل شیوع

پیدا کرده است که در پی آن بیماری‌های متعدد دیگری نیز شکل می‌گیرند. زل‌زدن کودکان به صفحه نمایشگر وسایل الکترونیکی، نشستن‌های مداوم، بی‌حرکی‌های زیاد، پایین آمدن کیفیت خواب و حتی غذا خوردن در هنگام بازی به چاقی کودکان دامن زده است.

📌 **تومور مغزی:** متخصصان انگلیسی باور دارند تومور مغزی در نوجوانی و بزرگسالی حاصل استفاده

بی‌رویه کودکان از وسایل الکترونیکی است؛ یک مطالعه بین‌المللی در سال ۲۰۱۱ نشان داد که میان استفاده از وسایل الکترونیکی و ابتلا به تومور مغزی در بزرگسالی ارتباط مستقیم وجود دارد. هرچه کودک بیشتر از وسایل الکترونیکی استفاده کند، احتمال آسیب دیدن او در بزرگسالی افزایش می‌یابد.

📌 **آسیب‌های انگشت دست کودکان:** فرهنگستان پزشکی اطفال امریکا هشدار می‌دهد که استفاده

طولانی‌مدت از صفحات لمسی ابزارهای الکترونیکی به انگشتان دست کودکان آسیب می‌زند؛ سرگرم شدن با تبلت و گوشی همراه، فرصت بازی‌های معمولی را سلب می‌کند و به این ترتیب عضلات کودک روز به روز تحلیل می‌رود و به مرور زمان حرکاتش تأخیر بیشتری خواهند داشت.

📌 **آسیب‌های جسمی فراوان در اثر استفاده از هندزفری:** گوش دادن با صدای بلند به موزیک با

استفاده از هدفون یا هندزفری به صورت طولانی‌مدت، سبب عارضه‌های مختلفی از جمله کاهش سطح شنوایی گوش به صورت موقت و یا دائم می‌شود. هدفون به دلیل انتقال صدا به صورت مستقیم و بی‌واسطه، روی سیستم شنوایی و حلق تأثیر منفی می‌گذارد.

📌 **اعتیاد به تلفن همراه:** برخی کودکان عادت کرده‌اند صبح که از خواب بیدار می‌شوند، سراغ تلفن

همراه بروند و حتی قبل از آنکه صبحانه بخورند، ساعت‌های زیادی را صرف بازی‌های آنلاین کنند که اگر والدین نتوانند کنترلی بر روی بازی‌های آنلاین فرزندشان اعمال کنند، باید گفت به راحتی این



دست بازی‌ها اعتیادآور می‌شوند. ضمن اینکه بعضی از کودکان برای افزایش رتبه و جایگاه خود در این‌گونه بازی‌ها، حتی حاضر به پرداخت هزینه‌هایی هستند و گاهی می‌بینیم که یک کودک خردسال، با استفاده از کارت‌بانکی والدین از حساب آن‌ها برداشت کرده تا رتبه خود در بازی را ارتقا دهد؛ بسیاری از محققان معتقدند استفاده بیش‌ازاندازه از تلفن همراه در ذهن و اعصاب کاربران نوعی اعتیاد مخرب پدید می‌آورد.

📌 **کاهش مهارت‌های ارتباطی:** شواهد نشان می‌دهد، جایگزینی این فناوری به‌جای ارتباط حضوری (به‌خصوص با استفاده از امکان ارسال پیام‌های کوتاه) تا حدود زیادی ارتباطات انسان‌ها را به حداقل رسانیده است. افزایش این‌گونه ارتباطات، به کاهش روابط چهره به چهره و زنده صوتی منجر می‌شود. ارتباطات ناقصی که در قالب متون خشک و بی‌روح جان می‌گیرد، مرز شوخی و جدی را درهم می‌آمیزد و مسیر اغراق‌آمیز و نادرستی را می‌پیماید که هرگز جایگزین مناسبی برای ارتباط کلامی و عاطفی میان گروه دوستان و آشنایان نیست و شناخت مجازی و غیرواقعی حاصل از آن، نمی‌تواند معیار خوبی برای آگاهی درباره طرفین رابطه باشد. این ارتباط مجازی فرصت یادگیری آداب زندگی را به‌طور عملی و از طریق ارتباط مؤثر با اقشار مختلف اجتماعی از فرد سلب و او را در محیطی بسته و محدود محصور می‌کند.

📌 **محدود شدن یادگیری:** متخصصان در دانشگاه سوییس یادآوری می‌کنند که مغز کودک در طول دوره یک‌سالگی با سرعت بالایی در حال توسعه و رشد است. کودکان در سن پایین از ارتباط با محیط، بسیار بیشتر و بهتر یاد می‌گیرند. لازم است کودکان در ارتباط با دیگران درگیر شوند و حتی نکات جزئی مثل برقرار کردن تماس چشمی را در این ارتباطات یاد بگیرند. یادگیری این مسائل در این سن ضروری است و بعدها نمی‌توان آن را جبران کرد.



📱 **اتلاف وقت زیاد:** از آنجاکه گوشی‌هایِ تلفن همراه قابلیت بازی‌های مختلف را در خود دارد، کودک

یا نوجوان مدت زمان زیادی سرگرم بازی می‌شود و از دیگر کارهای ضروری‌اش باز می‌ماند.



موافق هستید در انتهای این بحث یک شعر زیبا با هم بخوانیم؟

امان از دست دنیای مجازی

یکی چت می‌کنه اون یکی بازی

یکی تعداد لایک‌هاش بیشماره

یکی معتاد شده آروم نداره

ز بس صبح تا به شب کامنت می‌ذاره

همه حرفا قشنگ و شیک و پیکه

می‌گم من با تو این جواری نمی‌شه

همش تو واتساپی! پس درس چی می‌شه؟

خوبه آدم کمی مجازی باشه

کمی فکر درس ریاضی باشه

گوشی لمسی و موبایل و اندروید

تورو برده به یک رؤیای بیخود

تو دنیای مجازی آب و نون نیست

به جز افسردگی دل و جون نیست



اگه دنبال عشقی یا محبت

بیا برگرد به دنیای حقیقت

پدر و مادر و خدا را داری
به آنها تکیه کن غمی نداری

قفس، تنها زندون و میله‌هاش نیست
بیا بشکن قفس وقت رهایی ست

بیا بیدار شو از خواب مجازی
حواست باشه دنیا تو نبازی

شعری از غلامحسین شورمیچ



با هم موبایل بسازیم

دوست دارید با کمک پارمیس جان یک موبایل درست کنیم؟
واقعی نیست ولی می شود کلی از آن لذت برد.

مواد لازم:

مقوا - کاغذ رنگی و سفید

چسب - فومر اکیلی

پولک سفید - مداد رنگی و ماژیک



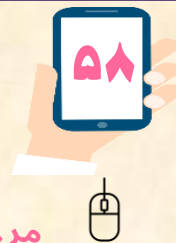
مرحله اول: ابتدا یک مستطیل ۵ در ۱۵ می کشیم و با قیچی آن را می بریم.



مرحله دوم: بعد از قیچی کردن، چهارگوشه مستطیل را



به صورت هلال برش زده و مستطیل را از وسط تا می کنیم .



مرحله سوم: با برگه A4 رنگی آن را می پوشانیم. بعد از تنظیم کردن برگه رنگی آن را با

چسب می چسبانیم.



مرحله چهارم: دور برگه رنگی را برش می زنیم.



مرحله پنجم: روی کاغذ سفید یک قلب می کشیم و بعد رویش را رنگ می کنیم.





مرحله ششم: با فوم اکلیلی یک مستطیل در ابعاد ۵ در ۳ برش می‌دهیم و بر روی قاب



می‌چسبانیم.



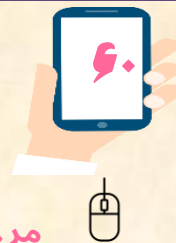
مرحله هفتم: قلب برش‌زده را بر روی فوم اکلیلی



می‌چسبانیم.

مرحله هشتم: با استفاده از پولک‌های سفید، روی کار را تزئین می‌کنیم.





مرحله نهم: شماره ها را روی یک برگه سفید مستطیل می کشیم.



مرحله دهم: دکمه وصل و قطع گوشه

رنگ آمیزی می کنیم.

مرحله یازدهم: برگه شماره ها را داخل کار می چسبانیم.



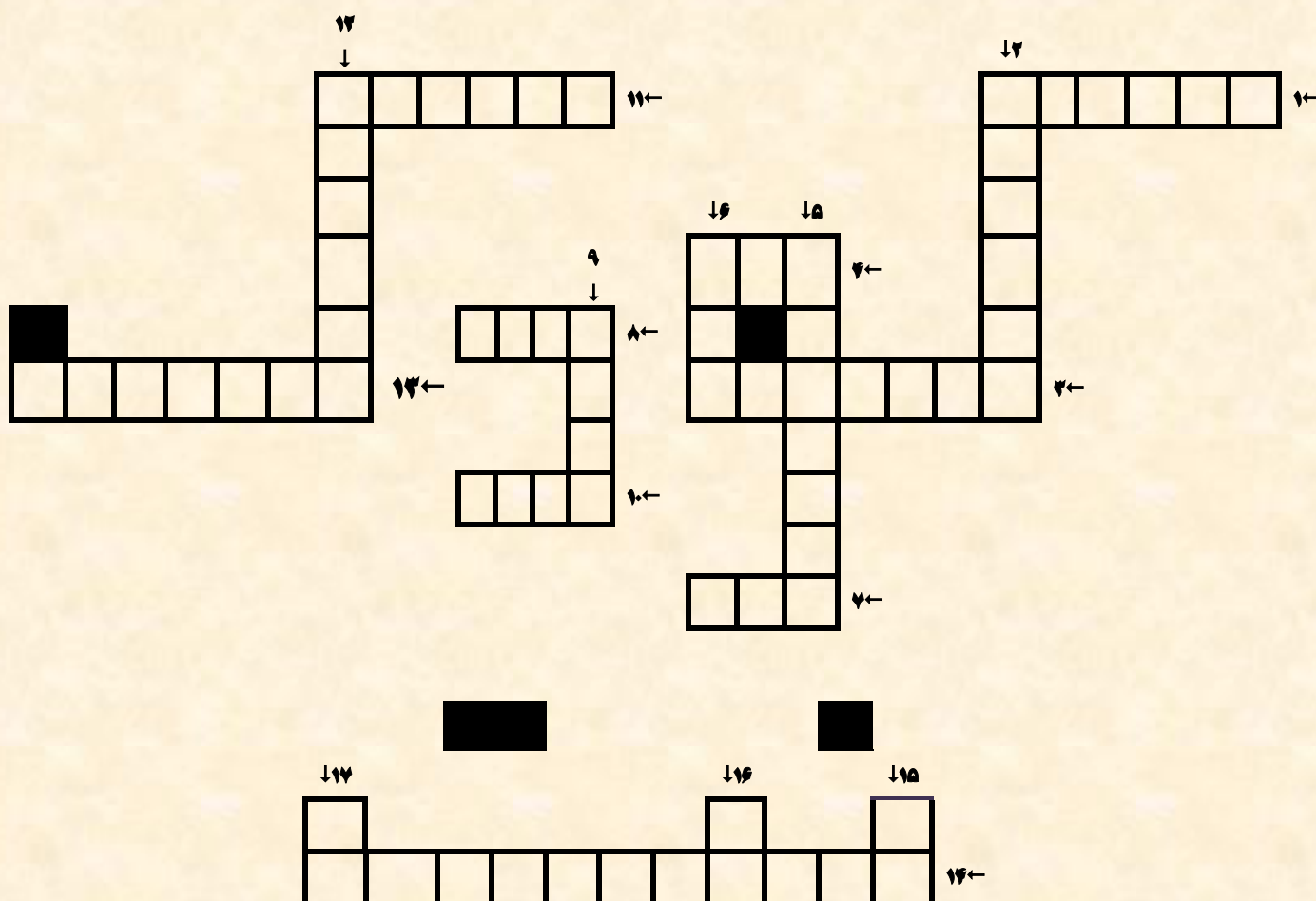


در مرحله آخر شما یک موبایل کاغذی داری که زحمت ساختش را خودت کشیدی.



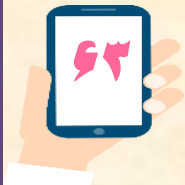


جدول



پاسخ چیستان‌های صفحه ۵۰ را می‌خواهی؟

۱- یاهو ۲- کتاب ۳- ساعت ۴- کیبورد یا صفحه کلید



۱- نام دیگر کامپیوتر

۲- نام پایتخت کوبا

۳- با نبود آن هیچ سایتی باز نمی شود.

۴- همان آرام است.

۵- مکانی که تعداد بی شماری نیروی کار در آنجا کار می کنند.

۶- یکی از اعضای بدن

۷- پایتخت دهلی نو

۸- وسیله ای کوچکتر از رایانه

۹- به دنیا آمدن

۱۰- نام دیگر رفیق

۱۱- نام این نشریه دیجیتال

۱۲- نام یکی از برنامه های پیام رسان در فضای مجازی

۱۳- نام دیگر تلفن همراه

۱۴- برنامه ای که دانش آموزان به کمک آن در فضای مجازی درس می خوانند.

۱۵- عضوی از بدن که به کمک آن راه می رویم.

۱۶- نته در موسیقی

۱۷- شماره رمز



مسابقه‌ای برای شما

بچه‌های عزیزم

در پایان این شماره از مجله، می‌خواهیم برای شما یک مسابقه برگزار کنیم.

داستانی که در ادامه نوشته شده است، یک داستان نیمه‌کاره است که نویسنده‌اش، بیمار شده و نتوانسته داستان را به اتمام برساند. اگر شما می‌توانید، این داستان را تمام کنید و به آدرس ایمیل مجله ارسال کنید. ما به بهترین داستان جایزه می‌دهیم و در شماره بعد مجله، آن را منتشر می‌کنیم.

سینا بعد از تمام شدن کلاسش، از مادرش خواهش کرد که تبلت را به او بدهد تا بازی کند. مادر گفت: «سینا فقط نیم ساعت! بعد زود بیا وقت ناهار است.» سینا گفت: چشم مادر! اما تبلت را دستش گرفت و همه قول و قرارها را فراموش کرد تا اینکه ناگهان ...

آدرس ایمیل ما: kudaknet@gmail.com

منم مثل بقیه بچه ها عاش بازی با گوشی و تبلت

اما استفاده از اون مانونی داره ...!!!



۱



یا وقتی عصره بزرگه
اومد روی ۶



۲

تبلت و موبایل توی اتاق خواب ممنوع...



۴

موقع غذا خوردن دیرین نارتون، گوشی بازی و همه چی

ممنوع...



۳

kudaknet@gmail.com

